

## بررسی مقاله «آشنایی با قرآن» اثر تامارا سون

دکتر سعید رحیمیان\* (دانشیار دانشگاه شیراز)  
زهرا رحیمی حقیقی\* (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث)

### چکیده

مقاله «آشنایی با قرآن» اثر دکتر تامارا سون در بخش اول کتاب «همراه با قرآن بلک ول»<sup>۱</sup> به عنوان یکی از منابع درسی رشته علوم اسلامی در دانشگاه‌های غربی به چاپ رسیده است. نویسنده در این نوشتار به مباحث کلی پیرامون قرآن مانند مخلوق بودن قرآن، ساختار متن، مخاطب قرآن، تاریخ قرآن، ارتباط قرآن با دیگر کتب آسمانی، مضامین قرآن، نقش قرآن در زندگی اسلامی، حقوق از دیدگاه قرآن، و مبانی و کاربرد تفسیر قرآن پرداخته است.

در این نوشتار پس از ارائه گزارشی از ترجمه، به یاد کرد نقاط قوت و ضعف مقاله، به بررسی و نقد آن در دو بخش ساختاری و محتوایی پرداخته شده است و موارد اختلاف دیدگاه نویسنده با دیدگاه مفسران شیعه یادآوری شده است.

در مجموعه ۹ مورد از دیدگاه‌های نویسنده که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، در بخش نقد محتوایی بررسی شده و پاسخ درخور ارائه شده است.

**کلید واژگان:** قرآن، مستشرقان، آشنایی با قرآن، تامارا سون.

---

\* sd.rahimian@gmail.com

\* z.rahimi59@yahoo.com

#### مقدمه

کتاب «The Blackwell Companion to the Quran» از سری کتاب‌های «The Blackwell companion to...» به معنای «همراه با... بلک‌ول» می‌باشد که به بررسی موضوعات مختلف دینی می‌پردازد.

در حقیقت نام این سری «The Blackwell Companion to religion» است. از دیگر کتب این مجموعه همراه با یهودیت، انسان‌شناسی، دین، انجیل عبری (تورات)، الهیات پست مدرن، اخلاق مسیحی، تفکرات معاصر اسلامی و... می‌باشد.

کتاب‌هایی که در غرب با عنوان «راهنما» یا «companion» منتشر می‌شوند، نه دانشنامه‌اند و نه شباهتی به مجموعه مقالات موضوعی (مقالات یک کنفرانس) یا مقالات اهدا شده به یادنامه یک استاد دانشگاهی دارند. در این گونه کتاب‌ها سعی بر این است که مهم‌ترین موضوع‌ها، مفاهیم، اصطلاح‌ها و کلمات کلیدی در حوزه علمی مانند ریاضیات، نجوم، جامعه‌شناسی و جز آن را در قالب مقالات تخصصی شرح و تبیین کند؛ از این رو، راهنماها بر خلاف دانش‌نامه‌های موضوعی به تمام موضوع‌های ریز و درشت نمی‌پردازند و بر عکس کتاب‌های مجموعه مقاله‌ای، از جامعیت نسبی در تمام حوزه خود برخوردارند.

راهنمای قرآن بلک‌ول، نخستین کتاب از این دسته در حوزه علوم و مطالعات قرآن است که با سرویراستاری پروفسور آندرو ریپین، استاد اسلام‌شناسی و مطالعات قرآنی در دانشگاه ویکتوریای کانادا و به سفارش انتشارات «بلک‌ول» در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسید.

این کتاب دارای پنج فصل و حاوی سی و دو مقاله می‌باشد که توسط محققان قرآنی و قرآن‌پژوهان غربی (مستشرقان) و مسلمانان تألیف شده است. بخش نخست این کتاب، شامل سه مقاله «آشنایی با قرآن» از تامارا سون، «فهم عمیق قرآن» از کریستوفر باک، و «زمینه‌ها و شرایط ظهور قرآن» از عبدالله سعید. این نوشتار، ترجمه و نقد نخستین مقاله از کتاب راهنمای قرآن می‌باشد.

## گزارشی از مقاله

### ۱. مقدمه: مخلوق بودن قرآن

نگارنده قرآن را کتاب مقدس دین اسلام می‌داند و بر این باور است که قرآن بیان‌گر باور قلبی مسلمانان به این حقیقت است که کتاب مذکور کلام خداست، نه کلام خود پیامبر که آن را به مردم ابلاغ نموده است. ایشان قرآن را غیر مخلوق می‌نامد و عنوان می‌کند، با وجود اینکه نزول قرآن (یا همان واژه عربی منزل) به اوایل قرن هفتم میلادی باز می‌گردد، مسلمانان معتقدند حقیقت قرآن ابدی است و منحصر به زمان خاصی نیست. کلام خداوند کلمه به کلمه به زبان عربی و توسط آخرین فرستاده، محمد ﷺ (متوفی ۱۱ ق/ ۶۳۲ م) نازل گردید. پیامبر ﷺ به عنوان فردی «أُمّی» تلقی می‌شود که باید ابلاغ‌کننده پیامی باشد که خدا بر دوش او نهاده است (شعراء/ ۱۹۵). تامارا سون معتقد است اهمیت و قداست قرآن نزد مسلمانان آن قدر مبرهن و روشن است که تنها کسانی می‌توانند آن را لمس کنند که از خلوص و طهارت لازم برخوردار باشند. این، از معجزات اسلام است و به جز محمد ﷺ احدی به این مقام دست نیافته است.

### ۲. ساختار متن قرآن

در این بخش، نویسنده ساختار قرآن را که متشکل از ۱۱۴ فصل است که سوره نامیده می‌شوند، معرفی می‌کند. تعداد آیات سوره‌های قرآن را بین هفت تا ۲۸۷ آیه می‌داند که نخستین سوره، خیلی کوتاه است، اما دیگر سوره‌ها بر اساس طول سوره منظم شده‌اند و ترتیب آن‌ها، بیشتر از این که بر اساس زمان نزول وحی باشد، بر حسب طول سوره‌ها تدوین شده‌اند. سپس وی به ویژگی‌های شایع سوره‌های مکی و مدنی اشاره می‌کند و معتقد است نود درصد سوره‌های قرآن مکی می‌باشد.

### ۳. ندا و مخاطبان

در این قسمت ندهای قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. اینکه خداوند اغلب در مقام اول شخص سخن می‌گوید (من و گاه ما که به جای هم استفاده می‌شوند)، نشان می‌دهد که

قرآن ندای خداوند است. در برخی مواقع، قرآن مستقیماً درباره محمد ﷺ با مردم صحبت می‌کند. در باب مسائل مربوط به اصالت پیامش، قرآن، امت را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «آنچه دل دید انکار (ش) نکرد. آیا در آنچه دیده است با او جدال می‌کنید؟» (نجم/۱۲-۱۳). کل قرآن، کلام خداوند است، اما طنین خیلی از آیات طولانی، ندای محمد ﷺ است که جامعه را با کلام خداوند و در قالب سوم شخص به سوی خداوند راهنمایی می‌کند. نویسنده، سپس به مخاطبان قرآن که همه مردم در هر زمان و مکان را شامل می‌شود، می‌پردازد و با استناد به آیات قرآن (احزاب / ۳۶) اشاره می‌کند که در میان کتب مقدس آیین‌های یکتاپرستی، قرآن به طور مساوی به مسائل مربوط به زن و مرد پرداخته است.

#### ۴. تاریخچه متن قرآن

نگارنده اشاره می‌کند که بر خلاف متون مقدس اولیه، تاریخ قرآن کاملاً روشن است. قرآن به وسیله محمد ﷺ برای امتش در عربستان با فرهنگ‌های مختلف، در طول بیش از بیست و دو سال از ۶۱۰-۶۳۲م ابلاغ گردید. سپس به بحث جمع قرآن توسط زید بن ثابت به دستور ابوبکر، پس از جنگ یمامه و شهادت کاتبان می‌پردازد. در ادامه، بحث اختلاف قرائات و تکثیر قرآن را توسط عثمان مطرح می‌کند و سپس به نسخه‌های چاپی قرآن و اولین ترجمه قرآن توسط «پیتر مقدس (شماس اعظم)» در قرن دوازدهم میلادی اشاره دارد.

#### ۵. ارتباط قرآن با کتب مقدس

تامارا سون عنوان می‌کند که قرآن به متون مقدس توحیدی، یعنی تورات و انجیل چندین بار ارجاع داده است و در قرآن، فرض بر این است که مردم با این متون آشنا هستند. به همین جهت، قرآن روایات تاریخی مربوط به آن‌ها را بیان نمی‌کند، بلکه از شخصیت‌ها و رویدادهایی یاد می‌کند که نزد یهودیان و مسیحیان شناخته شده هستند تا نکات اخلاقی و مذهبی آنان را خاطر نشان سازد؛ برای نمونه، به آدم، نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی و عیسی ﷺ چندین بار اشاره شده، اما این اشارات بر اساس ترتیب زمانی آن‌ها نمی‌باشد. وی در این قسمت به آیات بسیاری از جمله شوری/۱۴، بقره/۱۳۶-۱۳۷؛ شعرا/۱۹۳-۱۹۸، شوری/۱۳ و... اشاره می‌کند.

وی در ادامه می‌گوید، در قرآن اشاراتی به پیامبرانی شده است که برای یهودیان و مسیحیان شناخته شده نیست. برای نمونه، سوره‌ای به نام رسولی عربی یعنی هود (سوره هود) نام‌گذاری شده است که جامعه خود را به اطاعت از خداوند آگاه ساخت، اما آن‌ها نپذیرفتند. در پایان، پیامبر اسلام ﷺ خاتم الانبیاء معرفی می‌شوند (احزاب/۴۱) نویسنده در ادامه، ذبح رابه حضرت اسماعیل علیه السلام نسبت می‌دهد.

### ۶. مضامین قرآن

تامارا سون ذیل این عنوان به بحث توحید و تفاوت آن با دیدگاه مسیحیت که خداوند جزئی از تثلیث نیست، می‌پردازد (نساء/۱۷۲؛ مائده/۷۴). خدای یکتا را آفریننده روح، محافظ، هادی و دادرس همه موجودات، غفور، رحیم و عادل معرفی می‌کند (همزه/۲-۵، ماعون/۲-۸، معارج/۲۰-۲۲، فجر/۱۶-۲۱، اعراف/۱۵۷) وی تصریح می‌کند که قرآن، تأکید بسیاری بر عدالت و رحمانیت نسبت به اقشار آسیب‌پذیر جامعه دارد. در اکثر موارد لفظ یتیم و احترام و اهمیت به آن‌ها می‌آورده و رستگاری آن‌ها به عنوان معیار سنجش تقوای افراد به صورت فردی و جمعی به شمار می‌آورد؛ برای نمونه، قرآن از محمد صلی الله علیه و آله و سلم درخواست می‌کند که در جواب مردم، زمانی که درباره ایتام می‌پرسند، بگوید: «به صلاح آنان کار کردن بهتر است» (بقره / ۲۱).

نویسنده در ادامه، به مباحث مطرح شده در قرآن درباره زنان اشاره دارد و بر این امر تأکید دارد که در میان قوانین موجود، قرآن بیش‌ترین قانون‌ها را در مورد بهبود وضعیت زنان به خود اختصاص داده است. قرآن، تنها مرجع و متن دینی است که به توهین و نفرت از زنان اعتراف می‌کند و دستور به بهبود و اصلاح آن می‌دهد. سپس ایشان بحث مهریه در اسلام را مطرح می‌کند و آن را دستمزد کار زن در منزل می‌داند تا نشان دهد که کار زن با ارزش است و باید تقدیر شود. وی ساختار اجتماعی تصور شده در قرآن را «پدر سالاری» می‌داند. «و مانند همان [وظیفی] که بر عهده زنان است، به طور شایسته به نفع آنان [بر

عهده مردان] است، و مردان بر آنان درجه برتری دارند « (بقره/۲۲۹). مشابه این آیه، این است که «مردان سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند» (نساء/۳۵). نهایتاً اینکه زنان باید مطیع همسران خود باشند و مردان، حق تسلط و کنترل زنان یا حتی در صورت مخالفت، حق طلاق آنان را دارند (نساء/۳۵). وی در بحث جهاد در قرآن (حج/۷۸-۷۹) جهاد در راه خدا را همان طور که قرآن خاطر نشان می‌سازد، معنای اصلی جهاد می‌داند (آل عمران/۱۳۰-۱۴۳).

#### ۷. نقش قرآن در زندگی اسلامی: شعائر دینی و هنر

نویسنده قرآن را سرچشمه کلیه آیین‌های مذهبی، نمازها و عبادت‌های جمعی و روزه می‌داند و به نمازهای یومیه و اوقات آن اشاره می‌کند. در زمینه هنرهای قرآنی به تجوید و خوش‌نویسی قرآن، حفظ قرآن، حکاکای آیات قرآن بر روی گردن بندها، کنده کاری روی چوب یا نصب قرآن بر سردر منزل‌های مسلمانان اشاره دارد. سپس به ایام حج و معجزات قرآن از نظر آمار و تعداد می‌پردازد.

#### ۸. حقوق از دیدگاه قرآن

نویسنده معتقد است که قرآن در جامعه اسلامی، اساس قانون اسلامی است و قرآن مشتمل بر قوانین خاصی می‌باشد، اما منحصرأ کتاب قانون نیست. الفاظ «حق» یا «قانون» تنها چهار بار در قرآن آمده است. قرآن، اساس زندگی اسلامی را تشریح می‌کند که شامل تکالیف اصلی مؤمنان یعنی نمازهای یومیه، شهادت به یگانگی و وحدانیت خدا [اصل توحید]، نماز، زکات، روزه، حج می‌باشد. در ضمن از بعضی اعمال که هم فردی و هم اجتماعی می‌باشد مانند قتل، دزدی، دروغ، تهمت، زنا، شراب‌خواری و قمار بر حذر می‌دارد. از نظر وی عمده‌ترین قسمت‌های قرآن، شامل الگوها و راهنمایی‌های اخلاقی مانند عدالت، درست‌کاری، صدقه رأفت و بخشندگی است، تا اینکه قانون‌های خاص را دربرداشته باشد.

تامارا سون می‌نویسد بر اساس ادعای قرآن، مردان در مسئولیت‌های اجتماعی یک درجه بالاتر از زنان و عهده‌دار تأمین مخارج زنان هستند و در صورت نیاز و به شرطی که بتوانند عدالت را برقرار کنند، می‌توانند تا چهار همسر برای خود انتخاب کنند و زنان باید مطیع مردان باشند. وی در ادامه، توصیفی و توصیه‌ای بودن آیات قرآن را یادآور می‌شوند و در بحث جنگ و هجرت با استناد به آیات قرآن، آن را تشریح می‌نمایند. (نحل/۴۲، ۱۲۶، ۱۲۷؛ بقره/۱۹۱-۱۹۴) و در پایان نتیجه می‌گیرد که پژوهشگران حقوق اسلامی با نمونه‌های پر بار و پیچیده‌ای از توصیه‌ها [در آیات] برخورد می‌کنند که قانون‌هایی دقیق از آن‌ها استخراج می‌کنند که با شرایط گوناگون و در حال رشد [جامعه] تطابق دارد.

#### ۹. تفسیر قرآن

تامارا سون آیات قرآن را راهنما و سرنخ تفسیر می‌داند و با استناد به آیات ۴-۸ آل‌عمران، بحث آیات محکم و متشابه را پیش می‌کشد و معتقد است تفسیر آیات متشابه به جز خداوند، بر هیچ شخص دیگری واضح و مبرهن نیست. در ادامه، نسخ در برخی آیات قرآن را مطرح می‌کند. (بقره/۱۰۷؛ نحل/۱۰۲؛ رعد/۴۰) و عنوان می‌کند که بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که مسئله نسخ، به کتب مقدس اولیه بر می‌گردد، در حالی که عده بسیار زیادی معتقدند نسخ به آیات خود قرآن نیز مربوط می‌شود. وی سپس اشاره می‌کند که به منظور کاربردی کردن قضاوت‌های مختلف، پژوهشگران به شرایط نزول وحی (اسباب النزول) مربوط به هر آیه مراجعه می‌کنند. شرایط نزول وحی، حدیث نامیده می‌شود و منبع غنی تاریخ اولیه اسلام، احادیث. (قول و فعل محمد ﷺ و تقریر او یعنی آنچه در مقابل ایشان گفته شده یا انجام شده و ایشان نسبت به آن عکس‌العمل نشان داده‌اند [آن را تأیید کرده یا سکوت نموده‌اند]) می‌باشد. شرایط نزول وحی، مربوط به آیه‌های مختلف، یک اصل مهم در مشخص کردن کاربرد نسخ آیات می‌باشد. علاوه بر این، پژوهشگران شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه، برای عبارات مختلف قرآن را در نظر می‌گیرند که این امر بیان‌گر شرایطی است که الزام قانونی آیات مختلف را نشان می‌دهد.

## بررسی و نقد مقاله

### الف) نقاط قوت و جنبه‌های مثبت

در صفحات آغازین مقاله، نویسنده با نگاهی منصفانه و هوشمندانه، قرآن را به عنوان کلام الهی معرفی و به خصوص بر این مطلب که قرآن کلام خداست نه کلام پیامبر ﷺ تأکید دارد. نگرش و اقرار نویسنده به این مطلب که با وجود نزول قرآن در قرن هفتم میلادی، قرآن کریم به زمان و مکان خاصی منحصر و محدود نمی‌باشد، قابل تقدیر است. وی حتی در بخش‌های مختلف مقاله، این مسئله (جهان شمول بودن قرآن) را به طور غیر مستقیم بیان نموده است. ذیل عنوان «ارتباط قرآن با کتب مقدس» با انصاف و هوشیاری مبحث «ذبح» را به اسماعیل علیه السلام نسبت می‌دهد؛ اگر چه در میان اهل کتاب و برخی اهل تسنن در مورد ذبح اسماعیل علیه السلام یا اسحاق علیه السلام اختلاف نظرهایی موجود است. در قسمت «مضامین قرآن» ایشان مضامینی را انتخاب می‌کند که از اهمیت والایی برخوردار است؛ از جمله بحث توحید را که از امتهات مباحث قرآن می‌باشد، بررسی و مباحث دیگری چون معاد و جهاد را به خوبی پردازش می‌کند. نویسنده در مبحث «مبانی و کاربرد تفسیر قرآن» با تأکید بر عدم انحصارگرایی و تعادل و توازن در قوانین اسلامی، انعطاف‌پذیری، هماهنگی و انطباق قوانین اسلامی بر اساس مقتضیات زمان را تأیید می‌نماید. به طور کلی، تلاش نویسنده برای مستند نمودن صحبت‌ها و مطالب مطرح شده به آیات قرآن جای تقدیر دارد.

### ب) نقاط ضعف و اشکالات

#### یک: بررسی ساختاری

تامارا سون در سبک آدرس‌دهی آیات اذعان می‌دارد «بسم الله الرحمن الرحيم» جزو آیات است و در شمارش آیه‌های یک سوره لحاظ شده است، اما در برخی از ارجاعات تناقض دیده می‌شود و در برخی موارد دیگر نیز شماره آیه، نادرست است. وی در قسمت «ساختار متن قرآن» تعداد آیه‌های قرآن را بین ۷ تا ۲۸۷ آیه می‌داند، در حالی که کوچک‌ترین سوره قرآن، سوره کوثر است که (بدون احتساب بسم الله الرحمن

الرحیم) سه آیه می‌باشد (مصطفی اسرار، دانستی‌های قرآن / ۲۷). در ادامه همین بخش، اظهار می‌دارد که ۹۰٪ سوره‌های قرآن مکی است و در تأیید ادعای خود سند و آدرسی ارائه نمی‌دهد. ولی باید گفت با بررسی فهرست سوره‌های قرآن کریم، تعداد سوره‌های مکی قرآن ۸۶ و سوره‌های مدنی ۲۸ سوره می‌باشد که در این صورت تقریباً ۷۵٪ سوره‌ها، مکی و بقیه مدنی می‌باشد. شایان ذکر است که حجم سوره‌های مدنی تقریباً بیش از ثلث قرآن کریم را تشکیل می‌دهد، چون در مقایسه با سوره‌های مکی، از آیات طولانی‌تری تشکیل شده است.

نویسنده ذیل عنوان «حقوق از دیدگاه قرآن» اذعان می‌دارد که واژه حق، چهار بار در قرآن آمده، اما با بررسی کتاب‌های موجود در تعداد کلمات قرآن، واژه حق، ۱۴ بار در قرآن تکرار شده است (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱/۹۵۰).

## دو. بررسی محتوایی

مقاله تامارا سون از لحاظ محتوایی نیز از لغزش و خطا مصون نمانده است. در ذیل برخی از آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

۱. تامارا سون قرآن را غیر مخلوق [قدیم] می‌نامد که جای بحث دارد. مسئله حدوث و قدم قرآن، زمانی به وجود آمد که مسلمانان در مسائل اعتقادی به دو گروه اشعری و معتزلی تقسیم شدند. اشاعره به قدم قرآن اعتقاد داشتند و کلام را به دو نوع «لفظی» و «نفسی» تقسیم کردند و گفتند «کلام نفسی خدا» یکی از صفات ذاتی و قائم به ذات باری تعالی است و همچون خدا قدیم می‌باشد. اما معتزله و نیز عدلیه به حدوث قرآن معتقد شدند و «کلام نفسی» را انکار نمودند (جلالی نائینی، تاریخ جمع قرآن، ۲۵۳-۲۵۴؛ خویی، البیان، ۵۶۰).

آیت الله خویی بر این باور است که مسئله حدوث و قدم قرآن، هیچ ارتباطی با اعتقادات اسلامی ندارد (خویی، البیان، ۵۵۸) و هیچ یک از مسلمانان در اینکه قرآن سخن خداست و خداوند آن را برای اثبات نبوت پیامبر ﷺ و راهنمایی مسلمانان فرستاده است، شک و تردیدی ندارند (همان، ۵۵۹).

۲. نویسنده اذعان می‌دارد که خلوص و طهارت قرآن را فقط پیامبر ﷺ درک می‌کند. این تفکر نشأت گرفته از دیدگاه اهل تسنن درباره آیه ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه / ۷۷-۷۹) است.

باید گفت مقام «مس قرآن»، نظر به حقیقت قرآن دارد که ارتباط با آن، امری شهودی است که صلاحیتی ملکوتی را می‌طلبد و غیر معصوم صلاحیت درک این مقام را ندارد. لذا اولین شخص، پیامبر ﷺ می‌باشند که با قرآن دیداری ملکوتی دارد و با استناد به آیه ﴿إِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً﴾ (احزاب / ۳۳).

اهل بیت علیهم‌السلام نیز که مطهر می‌باشند، ارتباطی شهودی با قرآن کریم دارند و قرآن ناطق می‌باشند (نقی پورفر، بررسی شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن، ۳۰۸-۳۰۹)؛ لذا از دیدگاه تشیع، علاوه بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سیزده معصوم دیگر نیز به واسطه عصمت و طهارتی که دارند، می‌توانند حقیقت و باطن قرآن را لمس و درک کنند.

۳. نویسنده ذیل عنوان «تاریخچه متن قرآن» بیان کرده که پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و با فوت تعداد زیادی از حافظان قرآن، یاران پیامبر به فکر جمع قرآن افتادند و این تلاش، توسط زید بن ثابت آغاز گردید. از کلام نویسنده، این گونه استنباط می‌شود که ایشان تحقیق و تفحص کافی در این زمینه انجام نداده است و یا تحت تأثیر عقاید مستشرقان قرار گرفته است؛ چون اولاً براساس شواهد و اسناد موجود و روایت‌های متعدد، جمع قرآن در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صورت گرفته است. ثانیاً شواهد نشان می‌دهد که حضرت علی رضی‌الله‌عنه، اولین فردی بودند که قرآن را جمع‌آوری نمودند. سیوطی از طریق ابن سیرین، نقل می‌کند که علی رضی‌الله‌عنه فرمود: «سوگند یاد کردم که ردا را بر نگیرم مگر برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را جمع کنم و آن را جمع کرد (سیوطی، الاتقان، ۲۰۳/۱؛ حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۳۸۶).

ابن ندیم هم، همین سخن را آورده و معتقد است قرآن علی رضی‌الله‌عنه نخستین مصحفی بود که مجموع قرآن، در آن فراهم آمد و آن مصحف، نزد خاندان جعفر بود (ابن ندیم، الفهرست، ۴۷؛ نیز ر.ک: مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ۳۹۲؛ محمود رامیار، تاریخ قرآن، ۲۹۷).

در روایت دیگری، علامه مجلسی از تفسیر علی ابن ابراهیم قمی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، قرآن پشت بستر من است بر کاغذها و حریرها و صفحه‌ها، آن را برگیر و جمع کن تا مسلمانان آن را ضایع نکنند همچنان که یهود، تورات را ضایع کردند. سپس علی علیه السلام مشغول شد و آن را در پارچه زردی جمع و ختم کرد» (مجلسی، بحارالانوار، ۹۲ / ۴۸).

از این حدیث، معلوم می‌شود که اولاً پیامبر متوجه ضایع نشدن و سلامت قرآن بوده‌اند و ثانیاً تنظیم آیات و سوره‌های قرآن کامل بوده که فرموده‌اند پشت بستر من است نه در اوراق پراکنده (جوهری‌زاده، دایرةالمعارف شیعه، ۷۲۸ - ۷۳۴).

همچنین از این روایت چنین استنباط می‌شود که نه تنها قرآن در زمان خود رسول الله صلی الله علیه و آله جمع‌آوری شده بود، بلکه پس از رحلت ایشان، نخستین فردی که قرآن را جمع‌آوری نمودند، حضرت علی علیه السلام و انگیزه ایشان، عمل به وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله بود (جلالی نائینی، تاریخ جمع قرآن، ۸۷؛ مجید معارف، پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآنی، ۱۵۰-۱۵۴)؛ بنابراین، با توجه به استناد علمای شیعه و روایات موجود، اولین جمع قرآن در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و پس از ایشان جمع و تدوین نهایی توسط حضرت علی علیه السلام صورت گرفت. در ادامه همین بخش، نویسنده بیان می‌کند که عثمان در فاصله حدود بیست سال از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را تدوین نمود.

دکتر محمد باقر حجتی با بررسی نظر موافقان و مخالفان، این استدلال را می‌آورد که قرآن در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله به هر ترتیبی که بوده، جمع‌آوری و مرتب‌گشت و پس از رحلت ایشان، حضرت علی علیه السلام با ترتیب خاصی مبتنی بر ترتیب تاریخ نزول، به جمع و تألیف آن اقدام نمود. سپس ابوبکر دستور داد تا قرآن در یک مجموعه منضبط و صحیفه‌هایی قابل دوختن فراهم بشود؛ یعنی بین الدفتین شدن قرآن در زمان ابو بکر صورت گرفت (که البته در این زمینه بین علمای شیعه و سنی اختلاف نظر وجود دارد) و در زمان عثمان به دلیل اختلاف مصاحف در قرائات، اقدام جدی صورت گرفت. لذا او دستور داد

تا برای از میان بردن این قرائات پریشان و نابسامانی که در قرآن راه یافته بود، به گونه‌ای قرآن را جمع‌آوری کنند که حاوی قرائات یکنواخت و معتبری باشد تا بتواند مصحف الهی به صورت امام و سرمشقی برای همه مصاحف مسلمانان قرار بگیرد (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۲۱۸-۲۳۳). بنابراین، عثمان به دلیل اختلاف در قرائات، قرآن‌ها را طبق لهجه قریش هماهنگ نمود و به نظر می‌رسد انتساب جمع قرآن به عثمان، به جهت بزرگ‌نمایی کار او و تحت الشعاع قرار دادن مشکلات و مسائلی بوده که در زمان عثمان وجود داشته است.

۴. تمارا سون در مبحث «ارتباط قرآن با سایر کتب مقدس» قرآن را مبین و مؤید ادیان راستین توحیدی، یهودیان و مسیحیان دانسته و در واقع، همه را یک آیین واحد دانسته است. در اینکه سه دین اسلام، یهودی و مسیحی و حیانی بوده و منتسب به دین توحیدی ابراهیم علیه السلام هستند، شکی نیست، اما باید اذعان نمود که اگر شالوده اسلام بر توحید است، متأثر از فرهنگ یهودی نیست و اگر نماز و روزه در اسلام هست، بازتاب فرهنگی مسیحیان نسطوری نیست، بلکه خدایی که این امور را بر پیامبران الهی پیشین و پیروان آن‌ها واجب کرد، بر مسلمانان نیز واجب نمود. این مطلب، صحیح است که قرآن مؤید کتب پیشین است، اما در حوزه‌های مختلف عقاید، احکام و قصص خود را نشان داده است و گاهی این موارد از حد تفاوت، فراتر رفته و به تقابل با فرهنگ یهودی و مسیحی رایج و نفی برخی عناصر و تحریف‌های آنان منتهی می‌شود؛ مثلاً قرآن، توحید را می‌پذیرد و تثلیث را رد می‌کند (مائده/۳۷)، در حالی که فرهنگ مسیحی رایج، از صدر اسلام تاکنون، تثلیث را می‌پذیرد. نمونه دیگر، نقل داستان‌های پیامبران الهی در قرآن همراه با احترام و پاکی است؛ مثلاً از لوط و اصحابش به پاک‌دامنی یاد می‌کند (اعراف/۸۲)، در حالی که داستان پیامبران در تورات فعلی به گونه‌ای نقل شده که با ساحت مقدس آنان سازگار نیست. (ر.ک: سفر پیدایش، ۱۹: ۱۳) نتیجه اینکه با وجود عناصر مشترک قرآن با کتب مقدس پیشین به دلیل منبع وحی الهی مشترک، قرآن تفاوت بسیاری با آنان دارد و در واقع کامل‌ترین کتاب در عالم بشریت است.

۵. نویسنده یکی از مضامین قرآن را زنان و مسائل و امور حقوقی مرتبط به آن‌ها می‌داند که در برخی موارد، دچار تناقض‌گویی شده یا اشکال‌هایی در اظهارات او دیده می‌شود که مختصراً مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی مطرح می‌نماید که در اسلام، مهریه در قبال دست‌مزد کار زن در خانه وضع شده است. این نگرش درباره زن به این معناست که مرد، زن را در استعمار خود درآورده و در قبال بهره اقتصادی یا جنسی، مبلغی به عنوان مهریه برای او در نظر گرفته می‌شود، در حالی که مهر در قرآن به حالت فطری انسان بر می‌گردد. قرآن با ظرافت بی‌نظیر می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾ (نساء/۴) یعنی کابین زنان را که به خود آنها تعلق دارد [نه به پدر یا برادران آن‌ها] و عطیه و پیش‌کشی است از جانب شما به آن‌ها به خودشان بدهید (قرشی، قاموس قرآن، ذیل واژه «صدق»). قرآن کریم در این جمله کوتاه به سه نکته اساسی اشاره کرده است: اولاً با نام «صدقه» (به ضم دال) یاد کرده است نه با نام «مهر». «صدقه» از ماده «صدق» است و بدان جهت به مهر صدق یا صدقه گفته می‌شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است. ثانیاً بنا به گفته راغب اصفهانی در مفردات، علت اینکه «صدقه» (به فتح دال) را صدقه گفته‌اند، این است که نشانه صدق ایمان است (راغب، المفردات، ذیل واژه «صدق»). دیگر اینکه با ملحق کردن ضمیر «هُنَّ» به این کلمه، تأکید بر این است که مهریه زن به خود زن تعلق دارد نه پدر و مادر و مهر مزد بزرگ کردن و شیر دادن فرزند نیست. ثالثاً کلمه «نحله» کاملاً تصریح می‌کند که «مهر» هیچ‌عنوانی جز عنوان تقدیمی، پیش‌کشی، عطیه و هدیه ندارد (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۸۶-۱۸۷).

قانون خلقت، جمال، غرور و بی‌نیازی را در جانب زن و نیازمندی، طلب، عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است و همین امر، مرد را وادار کرده که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام کند و یکی از این اقدامات در جلب رضای زن و احترام به موافقت او، این است که هدیه‌ای را به او نثار کند (همان / ۱۸۴). این هدیه، نه عنوان خرید پیکر زن را دارد، نه آهنگ خرید کار و خدمات او را در خانه، یا پشتوانه‌ای برای زندگی

آینده او در روز جدایی یا مرگ، بلکه به راستی هدیه‌ای است متعلق و مربوط به خود او که اگر مایل باشد باید بلافاصله به او تقدیم شود تا نشان صداقت مرد در پیشنهاد همسری به زن باشد. (حسینی بهشتی و دیگران، شناخت اسلام، ۳۱۴).

۶. نویسنده ساختار اجتماعی مطرح در قرآن را با استناد به آیه ۲۲۸ بقره و ۳۴ نساء، «پدرسالاری» می‌داند:

- ﴿لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/۲۲۸)  
مفهوم آیه، این است که در برابر وظایفی که بر عهده زن است، حقوقی نیز به عهده دارد که این حقوق و وظایف با توجه به تأثیرگذاری زن بر حیات اجتماعی، در محدوده زوجیت (ازدواج و تولید نسل) در نظر گرفته شده است. منظور از «معروف» در آیه، به معنای هر عملی است که افکار عمومی، آن را عمل شناخته شده بداند و با آن مانوس باشد. ﴿لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ قید متممی بر جمله سابق است و با هم معنای واحدی می‌دهند (طباطبایی، المیزان، ۲ / ۳۴۸-۳۴۹)؛ بنابراین، مردان و زنان، تفاوت‌های عمیق جسمانی و روحی دارند و اقتضا می‌کند که وظایف هر یک نیز مجزا از دیگری باشد، پس تشابه حقوقی ندارند و تعادل حقوقی بین زن و مرد برقرار است. در نتیجه، درجه مرد بر زن نیز در این آیه در محدوده خاصی می‌باشد که مربوط به وظایف اوست و برتری مرد را نمی‌رساند. این قانون صرف نظر از تفاسیر افراطی، بسیار حکیمانه و عادلانه است و نمی‌توان بر آن شبهه‌ای وارد نمود (موسوی، پاسخ به شبهاتی مربوط به زنان، ۷۰ - ۷۳). ضمناً نقش مدیریتی مرد و در قبال آن مسئولیت‌هایی که به او واگذار شده نیز قابل توجه است. (اسلامی‌پناه، تفسیر ادبی قرآن، ۱ / ۴۷۸).

- ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (نساء / ۳۴).  
قوام از ریشه «قوم» و بر وزن فعال از صیغه مبالغه می‌باشد و از نظر لغوی سه معنا دارد: مسلط شدن، (راغب اصفهانی، المفردات، ذیل واژه «قوم») نگهبان، (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۳/۸۱۷) و کسی که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است (طباطبایی، المیزان،

۵۴۳/۴). تفسیر اول به معنای این است که مرد رئیس و حاکم مطلق بر زن است. طبق معنای دوم، زن مانند اسیری تصور شده که مرد نگهدارنده او است. آنچه معقول و منطقی به نظر می‌رسد، نظر علامه می‌باشد که مرد سرپرست و مسئول است؛ مسئولی که مسئولیت سنگین و مهمی بر دوش دارد و باید به نحو احسن آن را انجام دهد؛ بنابراین، روح قیوم و قوام وظیفه مرد است و این چنین نیست که قرآن به زن بگوید تو تحت فرمان مرد هستی، بلکه به مرد می‌گوید، تو سرپرستی زن و منزل را به عهده داری (جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، ۳۹۱). پروردگار، نوع مردان را از لحاظ موهبت آفرینش، برتری داده و نیروی تعقل و تدبیر را به آنان زیاده بر نوع بانوان ارزانی فرموده است؛ یعنی مردان چه از لحاظ نیروی عاقله و چه از نظر قوای جسمانی از بانوان نیرومندترند و در اثر این مزیت است که وظایف مردان به طور کلی از لحاظ مصالح اجتماع زیاده است (حسینی، انوار درخشان، ۴ / ۵۱).

صاحب المنار نیز معتقد است؛ مراد از قیام در اینجا ریاستی است که در آن مرئوس با اراده و اختیار خود، در امورش تصرف می‌کند و به معنای این نیست که مرئوس، مقهور مسلوب‌الاراده‌ای است که عملی را بدون اختیار رئیسش نمی‌تواند انجام دهد (رشید رضا، المنار، ۵ / ۶۸).

از لحاظ فطری نیز، نیاز فطری جنس ماده به قوامیت جنس نر و نهادینه شدن قوامیت در جنس نر است. این مسئله حتی در گیاهان و حیوانات نیز صادق است. در مورد گیاهان، همواره عضو نرینگی گیاه (پرچم‌ها)، مادینگی گیاه را در احاطه و پوشش خود دارد و در میان حیوانات نیز اغلب حیوانات نر، مسئول لانه و آشیانه خود بوده و حیوان ماده در پناه او زندگی می‌کند (ویل دورانت، لذات فلسفه، ۱۳۵-۱۳۶).

ویژگی‌های خاص فطری مرد مانند نوع تعقل (توانایی بیشتر مردان در تعقل تحلیلی و قدرت ضبط بیشتر آن‌ها که در آزمایش‌های مختلف روان‌شناسی نیز به اثبات رسیده است) (ژانت هاید، روانشناسی زنان، ۱۶۰) و همچنین نیروی جسمانی افزون‌تر مردان موجب قیومت مرد و سرپرستی او می‌شود: ﴿يٰۤاٰمَنُوۡا مِنْۢ اَمْوَالِهِمْ﴾ نیز به همین بعد توانایی جسمانی برمی‌گردد که به واسطه این ویژگی مردان مکلف به دادن نفقه هستند (مکارم شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ۳ / ۲۱۸).

بنابراین با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص و متفاوت مردان و زنان، قیومت به معنای شرف و بزرگی مرد نیست، بلکه تکلیف و تحمل است که خداوند زن را از آن مسئولیت به دلیل رحمت و لطف به او معاف کرده است، نه اینکه بخواهد از شأن و منزلت زن بکاهد (الباجوری، المرأة فی فکر الاسلام، ۱/۱۱۷)؛ لذا با در نظر گرفتن موارد فوق تعبیر «پدرسالاری» از واژه قیومت صحیح نمی‌باشد.

۷. نویسنده سؤالی را مطرح می‌کند؛ آیا پافشاری قرآن به تبعیت زنان از مردان با مکتب برابری زنان و مردان در قرآن مغایرت ندارد، در شرایطی که فضای اقتصادی، بیان‌گر این مسئله است که زنان دیگر در امور اقتصادی به مردان وابسته نیستند؟ وی نظر خود را به طور روشن و واضح بیان نکرده که آیا این مطلب در حد یک پرسش است یا قصد به چالش کشیدن حقوق زنان را دارد. به هر حال، اسلام، در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آنچه در چهارده قرن پیش می‌گذشته یا آنچه در جهان امروز و غرب می‌گذرد، متفاوت است (پالیزدار، «جایگاه زن در اندیشه شهید مطهری»، مجله معارف، ش ۹۱، ص ۱۷-۲۱؛ مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۱۳). نگرش متعادل قرآن نه براساس افراط است و نه تفریط. از نظر قرآن، زن و مرد در انسانیت برابرند. ولی از دو گونه، خصلت برخوردارند، که از ساختار جسمانی و عاطفی متفاوت آن دو سرچشمه گرفته است و همین تفاوت‌ها باعث می‌شود که زن و مرد از حقوق و تکالیف و مجازات‌های متفاوت برخوردار شوند. اسلام مکتبی است که با رعایت این اصل و در نظر گرفتن این تفاوت‌ها با عدالت حقوقی زنان و مردان موافق است، ولی تشابه حقوقی آنان را نمی‌پذیرد، در حالی که در غرب، تلاش بر این است که بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های غریزی و طبیعی زن و مرد، قوانین و مقررات مشابهی برای مرد و زن وضع شود (معصومی، فمینیسم در یک نگاه، ۲۴-۲۹؛ مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۱۴-۱۲۰).

بنابراین، تفاوت موجودات، ذاتی آن‌هاست و لازمه نظام علت و معلول می‌باشد. آنچه در خلقت وجود دارد، تفاوت است نه تبعیض. تبعیض آن است که در شرایط مساوی و

استحقاق‌های همسان، بین اشیا فرق گذاشته شود، ولی تفاوت آن است که در شرایط نامساوی فرق گذاشته شود. لذا عدالت خداوند به معنای رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های مساوی معنا می‌دهد و عدل الهی چنین مساواتی را ایجاب می‌کند (مطهری، عدل الهی، ۱۱۶، ۱۱۴ و ۶۱)؛ در نتیجه، قرآن براساس ویژگی‌های فطری خاص زن و مرد، وظایف و حقوق متفاوتی با رعایت اصل عدالت حقوقی در نظر دارد که این تفاوت به هیچ عنوان دلیل بر تبعیض بین زن و مرد نمی‌باشد.

۸. نویسنده، حفظ قرآن را منحصر به پسران جوان می‌داند در حالی هر روز شاهد اهمیت روزافزون حفظ قرآن هم در میان پسران و هم در میان دختران هستیم و تأکید ایشان به حفظ قرآن در میان پسران، حداقل در کشور ما یعنی ایران منطقی به نظر نمی‌رسد.

۹. در مبحث «حقوق از دیدگاه قرآن» تامارا سون اظهار می‌دارد که قرآن، شامل الگوها و راهنمایی‌های اخلاقی است تا قانون‌های خاص. این کلام نویسنده با مطلب نتیجه‌گیری این بخش که پژوهشگران قرآنی، قانون‌های دقیقی طبق شرایط گوناگون استخراج می‌کنند، تطابق ندارد. در اینکه یکی از روش‌های تربیتی قرآن، ارائه الگوهای اخلاقی است، تردیدی نیست، اما این به معنای عدم ذکر قوانین خاص از قرآن کریم (در قالب گزاره‌های اخلاقی) نمی‌باشد. علاوه بر این، اولین و مهم‌ترین مصدر تشریح احکام و منشأ فقه اسلامی، قرآن است. قرآن، جامع قوانین الهی و معیار سنجش اخبار و احادیث بوده و خواهد بود و بر همین اساس است که از زمان نزول قرآن بر پیامبر اکرم ﷺ تا به امروز و برای همیشه به عنوان اولین مرجع احکام مورد توجه فقهای اسلامی بوده و خواهد بود و تاریخ فقاقت و اجتهاد خود گواه این مدعاست. (مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، اصول فقه، ۱۲؛ خرمشاهی، قرآن پژوهی، ۵۶، به نقل از: جناتی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ۶).

۱۰. نویسنده ذیل عنوان «مبانی و کاربرد تفسیر قرآن» مبحث آیات محکم و متشابه را مطرح می‌کند و تأویل و تفسیر آیات را فقط از آن خداوند می‌داند. به نظر می‌رسد که تفکر او از مفسران اهل تسنن نشأت گرفته است؛ چون اکثر مفسران اهل سنت بر این باورند

که تأویل قرآن به معنای انحصار علم آیات متشابه به خداوند است؛ در حالی که علمای تشیع و برخی فرقه‌های اهل سنت معتقد علاوه بر خداوند، راسخان در علم نیز معنای متشابهات را می‌دانند. این اختلاف نظر، ریشه در نحوه قرائت آیه هفت سوره آل عمران دارد که آیا «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران / ۷) به «الله» عطف است یا خیر؟ بسیاری از علمای اهل سنت به قرائت وقف معتقدند، یعنی «واو» وسط آیه را واو استینافی می‌دانند و معتقدند تأویل آیات را فقط خدا می‌داند. اما نزد علمای تشیع قرائت به عطف یا قرائت به وقف، تأثیری در معنای تأویل ندارد و به در این باره به روایاتی از امامان معصوم علیهم‌السلام نیز استناد می‌کنند؛ چنان که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَنَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ» (کلینی، اصول کافی، ۳۰۸/۱)؛ بنابراین، «واو» را «واو عطف» دانسته‌اند و تأویل متشابهات را علاوه بر خداوند، از اختصاصات راسخان در علم نیز به شمار می‌آورند (سنگلجی، کلید فهم قرآن، ۸۱؛ مجید معارف، پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآنی، ۲۳۱).

شایان یادآوری است که از قدما، شیخ طوسی و از معاصران، علامه طباطبایی قائل به هردو قرائت هستند و در ضمن دیدگاه واو عطف را نیز پذیرفته‌اند. (خرمشاهی، قرآن پژوهی، ۷۴۱). مرحوم کلینی هم معتقد است خدای عزوجل قرآن را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آموخته است و اگر به ایشان نمی‌آموخت، فایده‌ای نداشت که کلام مبهم و نامعلومی را بر ایشان نازل کند (کلینی، اصول کافی، ۱ / ۳۱۰).

شاید این تصور پیش بیاید که شیعه به دلیل احترامی که برای ائمه خود قائل هستند، این عقیده (قرائت به عطف و تأویل پیامبر و ائمه علیهم‌السلام) را پذیرفته‌اند؛ اما دانشمندانی از اهل سنت همچون زمخشری، بیضاوی و عبده، نحاس، زرکشی، قاضی عبدالجبار، ابن فورک و ابن ابی‌الحدید، هم رأی و هم قرائت با شیعه هستند. (خرمشاهی، قرآن پژوهی، ۷۴۱).

نتیجه کلام اینکه چه «واو» را عاطفه بگیریم یا استینافی، تفاوتی در برداشت ما از آیه ندارد و با استناد به نص قرآن و کلام ائمه معصوم علیهم‌السلام گروهی از امت اسلام که ملقب به

«راسخان در علم» هستند، قادر به تأویل قرآن می‌باشند که در صدر آنان پیامبر ﷺ است و با استناد به آیات تطهیر، مودت و... ائمه اطهار علیهم‌السلام از راسخان در علم می‌باشند (کمالی دزفولی، شناخت قرآن، ۲۴۷-۲۴۹) و پس از آن بنا به قاعده لطف، وجود علمای عارف به تأویل متشابهات بر وجه صحیح آن به مثابه سدی رفیع در برابر اهل زیع و باطل و دفاع از دین و تباه‌سازی آیات قرآن لازم به نظر می‌رسد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۳/۳۶).

### نتیجه

نگارنده در بیشتر مباحث مطرح در نوشتار خویش، تحت تأثیر افکار اهل سنت و برخی مباحث حقوقی مربوط به زنان در دموکراسی‌های غربی قرار گرفته و متأسفانه از دیدگاه مفسران شیعه غفلت نموده و یا اطلاع کافی ندارد. برای نمونه، نگرش وی در بحث جمع قرآن، متأثر از دیدگاه‌های اهل سنت و برخی مستشرقان مانند نولدکه است. در بحث مسائل زنان، نگرشی تقریباً فمینیستی و متأثر از دیدگاه رایج در غرب پیرامون حقوق زنان دارد. در بحث ارتباط قرآن با کتاب مقدس، مباحث مربوط به انبیا و روایت‌های تاریخی را یکسان قلمداد می‌نماید و به تضعیف شخصیت پیامبران در تورات و انجیل و تقویت و تحکیم شخصیت آنان به عنوان افرادی معصوم در قرآن کریم اشاره نمی‌کند و به همین دلیل می‌توان گفت که وی مطالعه تطبیقی منصفانه‌ای از شخصیت انبیا در قرآن و کتب مقدس ارائه نداده است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، دار القرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، ائمه علیهم السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابن کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
۵. اسرار، مصطفی، دانستی های قرآن، تهران، رویان، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۵ ش.
۶. اسلامی پناه یزدی، مهدی، تفسیر ادبی قرآن، تهران، علمی، ۱۳۸۳ ش.
۷. الباجوری، جمال محمد تقی، المرأه فی فکر الاسلام، قاهره، دارالسلام، ۱۴۰۶ ق.
۸. پالیزدار، مریم، جایگاه زن در اندیشه شهید مطهری، معارف، ش ۹۱، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، قم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱ ش، ص ۱۰۴.
۹. جلالی نائینی، سید محمدرضا، تاریخ جمع قرآن کریم، تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم، اسرا، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. جوهری زاده، محمدرضا، دایره المعارف شیعه، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۵۲ ش.
۱۲. حاجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۳ ش.
۱۳. حسینی بهشتی، سید محمد و دیگران، شناخت اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۱۴. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، تهران، ناهید، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه جعفر حسینی، قم، دارالثقلین، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، قم، المکتبه المرتضویه، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰ ش.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، بررسی دیدگاه خاورشناسان درباره تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۸، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش، ص ۲۳۸.
۲۱. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. سنگلچی، شریعت، کلید فهم قرآن، دانش، بی جا، چاپ پنجم، بی تا.
۲۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، به قلم سید مهدی حائری قزوینی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.

بررسی مقاله آشنایی با قرآن اثر تامارا سون / ۷۱

۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۲۵. عاملی، سید مرتضی، حقایق مهم پیرامون قرآن کریم، ترجمه سید حسن اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. فقهی زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۴۷ ش.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۸ ش.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲۹. کمالی دزفولی، علی، شناخت قرآن، قم، اسوه، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (اصول فقه)، سپهر، تهران، بی تا.
۳۲. \_\_\_\_\_، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۷۶ ش.
۳۳. \_\_\_\_\_، عدل الهی، چاپ دهم، تهران، صدرا، ۱۳۵۷ ش.
۳۴. \_\_\_\_\_، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ سی و نهم، ۱۳۸۴ ش.
۳۵. معارف، مجید، پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآن، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۶ ش.
۳۶. معرفت، محمد هادی، آموزش علوم قرآن (ترجمه التمهید فی علوم القرآن)، ترجمه ابو محمد و کیلی، سازمان تبلیغات اسلامی، بی جا، ۱۳۷۱ ش.
۳۷. معرفت، محمد هادی، تحریف‌ناپذیری قرآن، ترجمه علی نصیری، قم، التمهید، ۱۳۸۸ ش.
۳۸. معصومی، سید مسعود، فمینیسم در یک نگاه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۴۲۱ ق.
۴۰. موسوی، فاطمه، پاسخ به شبهاتی مربوط به زنان در آیات و روایات، شیراز، انتشارات بهار، ۱۳۸۹ ش.
۴۱. نقی پور فر، ولی الله، بررسی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قرآن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۴۲. هاید، ژانت، روان‌شناسی زنان، ترجمه بهزاد رحمتی، تهران، انتشارات لادن، ۱۳۷۷ ش.
43. Rippin Andrew (2009), The Blackwell Companion to the Quran, Willey Blackwell, United Kingdom.